

مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی آیت الله شیخ عیسی قاسم

سید رضا شاکری^۱

استادیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی (نویسنده مسئول)

صادق زینالی^۲

دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

علیرضا بیگی^۳

کارشناسی ارشد علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۶

چکیده

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تحلیل‌گران و متفکران سیاسی پس از وقوع انقلاب‌های مردمی و شکل‌گیری موج جدید بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، آینده نظام سیاسی و حکومتی در کشورهای در حال گذار سیاسی نظیر تونس، مصر و بحرین بوده است. در این میان، کشور بحرین به سبب اکثریت جمعیت شیعه تحت رهبری آیت الله شیخ عیسی قاسم و خواست عمومی اصلاحات مردم‌سالارانه در ابتدای تحولات این کشور در سال ۲۰۱۱ و نیز احتمال تسری مدل مردم‌سالاری آن به سایر کشورهای عربی منطقه، از اهمیت خاصی برخوردار است. این مقاله بر آن است تا به بررسی آرا و اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم، متفکر برجسته اسلام‌گرا و رهبر شیعیان بحرین، ضمن بهره‌گیری از روش هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر دیدگاه‌های وی را پیرامون نسبت میان اسلام و سیاست و مفهوم حکومت مطلوب ترسیم نماید.

یافته‌های مقاله نشان‌دهنده آن است که با توجه به نظام اندیشه‌ای توحیدی شیخ عیسی قاسم و ضرورت پیوند دین اسلام و سیاست از نگاه وی و نیز لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط فقیه (در دوره غیبت معصوم)، به نظر می‌رسد حکومت مطلوب ایشان در عصر حاضر که می‌تواند به‌طور مطلق، مشکلات جامعه را برطرف و نیازها را تأمین کند، حکومت اسلامی به رهبری ولایت فقیه است. البته حکومت مطلوب آیت الله قاسم در عرصه نظر است، اما آنچه در عرصه عمل برای وی و مردم بحرین امکان‌پذیر است، پادشاهی مشروطه است که در آن از اختیارات پادشاه کاسته شده و بر اختیارات مردم افزوده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حکومت مطلوب، شیخ عیسی قاسم، اندیشه سیاسی، بحرین، ولایت فقیه

1. sr.shakeri@gmail.com

2. zeinali1978@gmail.com

3. a.r.beygi20@gmail.com

۱. مقدمه

به باور بسیاری از محققان مسائل جهان اسلام، از نظر تاریخی ظهور پدیده اسلام‌گرایی در چند دهه اخیر در مواجهه و برخورد کشورهای اسلامی با غرب و به‌عنوان پاسخی برای عقب‌ماندگی جوامع اسلامی پدید آمد. به عبارت دیگر، در پی تحولات داخلی در جهان اسلام، مسلمانان از طرفی گرفتار فقر و فلاکت، جهل و جمود، ظلم و استبداد، فساد و تباهی و خواب و غفلت شدن و درنهایت عجز و درماندگی و عقب‌ماندگی دست‌وپا می‌زدند. از طرف دیگر، چنان وضعیت داخلی آن‌ها در معرض هجوم غرب و ورود تمدن جدید غربی قرار گرفت که با دو چهره دانش و تفکر جدید، صنعت، فناوری و چهره سیاسی استعماری و غارتگرانه متوجه جهان اسلام شده بود (درخشه، ۱۳۹۰: ۴۰).

این دو مسئله اساسی، یعنی انحطاط و عقب‌ماندگی داخلی و مسئله غرب، در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر مصائب و مشکلات عدیده‌ای را در دوره معاصر برای جوامع مسلمان به همراه داشت. پس از آشنایی جدی کشورهای مسلمان با غرب عده‌ای از نویسندگان و متفکران کوشیدند با تأکید بر لزوم بازگشت به اسلام اصیل راه چاره‌ای برای جبران عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی بیابند. اینان معتقد بودند چنانچه به‌تمامی دستورات و توصیه‌های دینی به‌خصوص در حوزه اجتماعی عمل شود، مسلمانان یک‌بار دیگر پیش‌تاز عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواهند شد. وضعیت مطلوب این فعالان، بازسازی جامعه و حکومت بر اساس احکام و ارزش‌های اسلامی است بنابراین یکی از مهم‌ترین اهداف اسلام‌گرایان توجه ویژه به مسئله حکومت و الگوهای نظری و عملی آن، جهت ساماندهی امور دنیوی و اخروی مسلمین، علیرغم تفاسیر متفاوت از آن بوده است. این دغدغه طی سالیان اخیر به نحو جدی‌تری موردتوجه قرار گرفت و در موج جدید بیداری اسلامی در کشورهای عربی، از سال ۲۰۱۱ بدین سو نمود بارزتری یافت.

بحرین نیز در رابطه با تحولات اخیر غرب آسیا و شمال آفریقا پس از موفقیت خیزش‌های مردمی تونس و مصر، میزبان موج اعتراضات مردمی در سال ۲۰۱۱ شد. این کشور در این تحولات از دو جهت دارای اهمیت است: اولاً اکثریت جمعیت بحرین شیعه هستند و خیزش مردمی اخیر نیز در قالب جمعیت وفاق ملی اسلامی به رهبری شیخ عیسی قاسم بوده که دارای اندیشه‌های شیعی هستند، هدایت می‌شد. ثانیاً این جمعیت خواستار اصلاحات دموکراتیک



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۳۴

سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱

در ابتدای جنبش شده و مدل مردم‌سالاری آنان در بحرین می‌تواند به سایر کشورهای عربی منطقه نیز تسری پیدا کند.

به دنبال وقوع این تحولات، تحلیل‌ها و تبیین‌های نظری گوناگونی پیرامون آینده نظام‌های سیاسی و حکومتی کشور بحرین از سوی متفکران و صاحب‌نظران مسائل سیاسی ارائه شده است. به عنوان نمونه، آیا اساساً متفکران اسلام‌گرای تأثیرگذار در هدایت گروه‌ها و جریانات اسلامی این کشور نظیر شیخ عیسی قاسم، تصویری از «حکومت مطلوب» دارند؟ آیا آنان به دنبال حکومتی مطلوب و آرمانی برای مردم کشور خود هستند؟ مفهوم حکومت مطلوب و آرمانی آنان چه بوده است؟

با عنایت به اهمیت موضوع حکومت مطلوب، این مقاله بر آن است تا به بررسی آرا و اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم، از متفکران برجسته اسلام‌گرا و رهبر شیعیان بحرین بپردازد و با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر دیدگاه‌های وی را پیرامون نسبت میان اسلام و حکومت و نیز مفهوم حکومت مطلوب ترسیم نماید.

لازم به ذکر است در این مقاله مفاهیم کلیدی چون «اندیشه سیاسی»، «اسلام‌گرایی»، «حکومت مطلوب» مطمح نظر قرار گرفته است. مفهوم اندیشه در لغت به معنای فکر، تأمل و تفکر است و اندیشه سیاسی مجموعه‌ای از آرا و عقایدی است که به شیوه‌ای عقلانی و منطقی و مستدل درباره چگونگی سامان دادن به زندگی سیاسی مطرح می‌گردد که می‌تواند توصیفی یا تبیینی باشد. اندیشمند سیاسی نیز کسی است که بتواند درباره آرا و عقاید خود به شیوه‌ای عقلانی و منطقی استدلال کند تا حدی که اندیشه‌های او دیگر صرفاً آرا و ترجیحات شخصی به شمار نرود (بشیری، ۱۳۷۶: ۱۶).

همچنین اسلام‌گرایی صفتی است که عمدتاً برای توصیف جنبش‌ها، گروه‌ها، افراد و نظام‌های سیاسی مختلف به کار گرفته می‌شود. با توجه به وجود اختلافات فراوان در درون جنبش‌ها، گروه‌ها، افراد و نظام‌های اسلام‌گرای مختلف، اساساً امکان وجود وحدت درونی در اسلام‌گرایی و در نتیجه امکان ارائه تعریف واحد و جهان‌شمول از آن وجود ندارد (بهرز لک، ۱۳۸۵: ۱۴۹). تنوع در ماهیت موصوفات متّصف به صفت اسلام‌گرایی یا امکان وجود گونه‌های مختلف از جنبش‌ها، گروه‌ها، افراد و نظام‌هایی که اسلام را راهنمای اصلی خود در اندیشه و عمل سیاسی می‌دانند مفروض مهمی است که این مقاله بر اساس آن بنا شده است.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

هرچند علی‌رغم وجود تفاوت‌های زیاد میان گونه‌های مختلف اسلام‌گرایی، آنچه می‌تواند به‌عنوان چتری فراگیر یا دالی برتر در میان همه شقوق و گونه‌های مختلف این پدیده مدنظر باشد این است که همه موصوفات اسلام‌گرا- اعم از جنبش‌ها، گروه‌ها، افراد و نظام‌های سیاسی- قائل به وجه سیاسی اسلام یا همان اسلام سیاسی هستند و این موضوع به‌عنوان وجه اشتراک کلیدی میان گونه‌های مختلف اسلام‌گرا مطرح است (سید امامی، ۱۳۹۳: ۶۸).

به‌منظور تعریف مفهوم حکومت مطلوب، ابتدا می‌بایست منظور از واژه‌های «حکومت» و «مطلوب» مشخص شود سپس مفهوم ترکیبی «حکومت مطلوب» بیان شود. در «فرهنگ معین» حکومت به هفت معنا آمده است: ۱. فرمان دادن و امر کردن؛ ۲. فرمانروایی کردن؛ ۳. سلطنت و پادشاهی کردن؛ ۴. داوری و قضاوت کردن؛ ۵. فرمانروایی؛ ۶. سلطنت و پادشاهی؛ ۷. داوری، قضاوت» (معین، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۶۷، ذیل واژه حکومت). در اصطلاح فرهنگ‌های علوم سیاسی، حکومت به معنای حکمرانی، فرمانروایی و اداره امور عمومی یا رهبری و مدیریت جامعه است. در دانش سیاست معمولاً حکومت را مجموعه‌ای از سازمان‌های عمومی یا نهادی همگانی می‌دانند که به‌منظور تأمین روابط صحیح اجتماعی، حفظ نظم در جامعه، اجرای قوانین و تأمین مصالح عمومی به وجود می‌آید و گاهی به معنای «قوة اجرایی»، در نظام‌های قانونی جدید و مبتنی بر تفکیک قوا، آمده است (آشوری، ۱۳۶۶، ص ۲۴۱). مطلوب واژه دیگری است که به معنای مختلف از جمله طلب کرده شده، جسته شده، خواسته، آرزو شده، خوش‌آیند، دلپسند و غیره آمده است (معین، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۲۰۳).

بنابراین «حکومت مطلوب» ناظر به اهداف مطلوب و مورد انتظار از حکومت است که افراد یا گروه‌ها به لحاظ نظری و عملی به دنبال آن هستند.

۲. مبانی نظری

به‌منظور پاسخگویی به پرسش اصلی این مقاله که همان چیستی مفهوم حکومت مطلوب از منظر عیسی قاسم به‌عنوان یکی از منادیان اسلام‌گرایی در بحرین است، چارچوب‌های نظری مرتبط با پیوند میان دین و سیاست می‌تواند تا حدود زیادی تبیین‌کننده مبانی نظری طرح باشد. می‌توان گفت که خاستگاه اصلی اسلام‌گرایی و جنبش‌های اسلامی، مفروض اساسی «پیوند دین و سیاست» است. رابطه‌ای که البته با تفسیرهایی متفاوت از زمان‌های بسیار

پیش در میان مسلمانان وجود داشته است. در دوران اخیر اسلام‌گرایان با بازسازی نظری این ایده و مبنا قرار دادن آن، جنبش‌هایی را برپا کرده و از این طریق تشکیل حکومت دینی را خواستار شده‌اند. بر این اساس، رابطه حکومت با دین-به ویژه دین اسلام-از مهم‌ترین موضوعات مطرح در اندیشه سیاسی مسلمانان طی یک‌صد سال اخیر بوده است (حاتمی و بحرانی، ۱۳۹۲). در اینجا به مهم‌ترین نظریات و تقسیم‌بندی‌ها پیرامون این رابطه در جهان اسلام پرداخته می‌شود:

الف- ضرورت؛ پیوند ذاتی دین و سیاست

در این نگرش، سیاست اسلامی را در متن شریعت اسلامی و از لحظه نزول آن می‌داند، به‌گونه‌ای که هیچ ثنویتی میان آن دو را به رسمیت نمی‌شناسد و هرگونه سخن از جدایی را طرح و نقشه استعمار می‌داند. بنابراین نصوص و تاریخ اسلام هردو مبنای سیاست اسلامی و شهادی بر ضرورت-و نه امکان-تشکیل حکومت در اسلام است. مهم‌ترین مفهوم در این نگرش در میان اهل سنت، شورا و بیعت و نزد شیعه امامت و ولایت است.

حسن البنا به‌عنوان یکی از مؤسسين اصلی جمعیت اخوان المسلمین مصر و اندیشمندی اصلاحگر معتقد است که جدا کردن اسلام از سیاست، درواقع بی‌معنا کردن و نفی آن است؛ زیرا در آن صورت دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. از نظر وی «ما مقصر نیستیم که سیاست بخشی از دین و اسلام دربردارنده حاکم و محکوم است. در تعالیم اسلامی این امر که آنچه متعلق به قیصر است به قیصر و آنچه از آن خداست به خدا واگذار نیست؛ بلکه در آموزه‌هایش قیصر و آنچه مربوط به اوست هم از آن خداوند قهار است» (البنا، ۱۴۱۲: ۱۸).

محمد الغزالی نیز متأثر از البناء اسلام را دینی جامع و کامل می‌داند و برای نظام سیاسی دو مبنای عدل و شورا را قائل است. غزالی با توجه به عقایدش درباره پیوند دین و سیاست و قابلیت اجرای احکام اسلام در همه زمان‌ها و مکان‌ها، سکولاریسم را ارتداد از دین می‌داند (الضاهر، ۱۴۱۴: ۲۷). به نظر وی سکولاریسم نه تنها مقوله خروج از دین، بلکه خروج بر حکومت است (الغزالی، ۱۴۰۴: ۹۲).

یوسف القرضاوی نیز مانند اسلاف اخوانی خود با تأکید بر جامعیت دین اسلام و ارائه تفسیر سنتی از آن، نظام سیاسی را مضمّن در دین می‌داند. او معتقد است که مفهوم اسلام



سیاسی یکی از تعبیرات برساخته سکولاریست‌ها و غرب‌گرایان چپ و راست است و مقصود آن‌ها از افزودن اسلام به سیاست این است که اسلام و سیاست را در ابتدا دو پدیده جدا از هم معرفی کنند، درحالی‌که سیاست در بطن آموزه‌های دین اسلام نهفته و اسلام سیاسی در مقابل اسلام غیرسیاسی کاربردی نارواست (القرضاوی، ۱۴۱۹: ۳۱). به نظر قرضاوی از آنجاکه اسلام، سیاست بدون دین را قبول ندارد، اهل سیاست باید دین‌دار و عالم به دین و اهل دین همگی باید کاردان، زیرک و آشنا به امور جامعه و اطراف خود باشند. پس هم‌اتمام به امور مسلمین واجب است و هم نصیحت ائمه مسلمین و هم توصیه به معروف و نهی از منکر. از نظر وی این اصول در کنار شورا مبادی اصلی نظام سیاسی اسلام را تشکیل می‌دهند (القرضاوی، ۱۴۱۲: ۱۸۲).

ب- امکان؛ پیوند تاریخی یا ابزاری دین و سیاست

این دسته از اندیشمندان، دین اسلام و سیاست اسلامی را امر واحدی تلقی نمی‌کنند، بلکه در نظر آن‌ها دین و سیاست دو پدیده متفاوت است، اما درباره دین اسلام به دلایلی میان آن دو پیوند برقرار شده است. این پیوند ممکن است تاریخی یا ابزاری باشد؛ به عبارت دیگر، شرایط ظهور و بستر شکل‌گیری اسلام، اقتضای پیوند آن با سیاست را ممکن کرد و سیاست به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد و تثبیت اسلام در قالب اجرای احکام و دستورهای آن به خدمت گرفته شد و طی زمان، مفاهیم و روش‌هایی طرح و اجرا شد که صورت اسلامی به خود گرفت.

ج- امتناع؛ نفی هرگونه پیوند دین و سیاست

این دسته از نویسندگان امکان استخراج هرگونه نظام و نظریه سیاسی از نصوص و تاریخ اسلامی را نفی می‌کنند. از نظر برخی از این افراد حتی ریاست پیامبر در مدینه هم ریاستی سیاسی نبود، بلکه تنها ریاستی روحانی محسوب می‌شد. علی عبدالرزاق در کتاب الاسلام و اصول الحکم هرگونه امر، نظریه و نظام سیاسی اسلامی را منتفی دانست. او معتقد بود که در قرآن و سنت هیچ دلیلی بر سیاسی بودن اسلام یافت نمی‌شود و حکومت پیامبر نیز اولاً ارکان لازم یک حکومت را نداشت و ثانیاً شأن سیاسی پیامبر جدای از شأن رسالت و نبوت آن حضرت بود. دینی دانستن حکومت پیامبر باذوق عمومی مسلمانان سازگارتر است؛ زیرا



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۳۸

سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱



برای آن‌ها نوعی وحدت به ارمغان می‌آورد. درحالی‌که به‌زعم وی، رأی صواب این است که خداوند در قرآن، سلطه سیاسی را بر پیامبر تحریم کرده و او را به موعظه حسنه امر کرده است (عبدالرزاق، ۱۱۷-۱۱۸)؛ بنابراین حکومت پیامبر، عملی جدای از دعوت ایشان بوده است و «البته نباید از شنیدن این سخن هراس داشته باشیم که پیامبر عملی خارج از وظیفه پیامبری‌اش انجام داده است که مهم‌ترین آن‌ها حکومت دینی است که هیچ ربط و پیوندی با نبوت رسالتش ندارد» (عبدالرزاق، ۱۲۰).

فرج فوده نیز پس از بررسی متون و تاریخ اسلام اظهار داشت که نمی‌توان در دین به دنبال نظام سیاسی منسجمی بود و بر همین اساس او حکومت را در اسلام غایب می‌داند. او با جدا کردن حساب پیامبر از حساب مسلمانان، از یک‌سو حکومت پیامبر را حکومتی اضطراری می‌داند که با توجه به شرایط تاریخی و بستری که اسلام در آن ظهور یافت، شکل گرفت و موجودیت یافت و از سوی دیگر، منکر هرگونه حکومت اسلامی در ادوار بعد از پیامبر شد (فوده، ۱۹۸۸: ۶).

در این مقاله، با استفاده از این مبنای نظری و تقسیم‌بندی درصدد خواهیم بود تا موضع یکی از اسلام‌گرایان برجسته معاصر در کشور بحرین، شیخ عیسی قاسم را نسبت به دین و سیاست موردبررسی قرار داده و مفهوم حکومت مطلوب وی را استخراج و مورد تحلیل قرار دهیم.

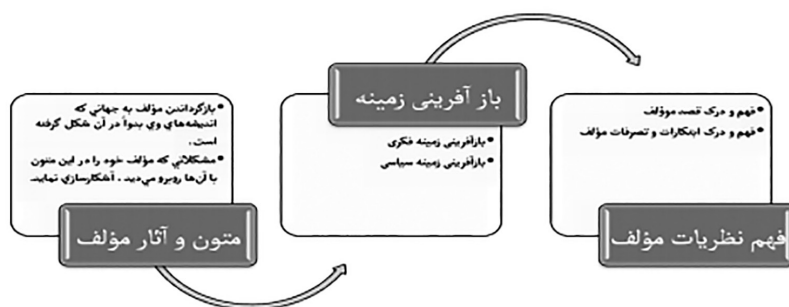
۳. روش‌شناسی

در این مقاله به‌منظور بررسی اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم از روش هرمنوتیک قصد گرای اسکینر استفاده می‌کنیم. اسکینر روش خود را در خصوص اندیشه سیاسی ماکیاوول (Skinner, 1981) بکار برده و ارتباط آن را با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی تطبیق نموده است. اسکینر زبان، فضای زندگی، محیط سیاسی، زمینه فکری و شرایط تاریخی را برای دستیابی به‌قصد و نیت مؤلف در نظر می‌گیرد تا با بازسازی زمینه و زمانه به رمزگشایی و فهم معنای یک اثر یا مفهوم انسانی نائل آید. اسکینر در مباحث روش‌شناسی خود و به‌خصوص در اندیشه‌شناسی به بازسازی تجربه زندگی و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری یک اثر یا مفهوم معتقد است. (محمود پناهی، ۱۳۹۴: ۱۷۴) او مسئله اساسی خود را این‌گونه مطرح می‌کند که

در تلاش برای فهم یک متن چه روش مناسبی باید اتخاذ نمود؟ یا به عبارت دیگر، معنای واقعی و تاریخی یک متن چگونه کشف می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال کلیدی دریافت معنای واقعی متن را کشف نیت مؤلف در تألیف آن قلمداد می‌کند. به همین ترتیب، اسکینر برای بررسی مفهوم آزادی در کتاب آزادی قبل از لیبرالیسم (Skinner, 1998) بجای پرداختن به چیستی مفهوم، به تحول مفهومی آن در یک تجربه تاریخی می‌پردازد، یعنی، نحوه تحول مفهوم آزادی با نظر به جنگ‌های داخلی انگلستان در قرن هفدهم تا دوران مدرن و لیبرالیسم بررسی شده است.

بدین ترتیب چارچوب روش‌شناسی سه مرحله‌ای اسکینر و راهنمای خطوط بنیادینی که برای قابل فهم کردن اندیشه سیاسی مؤلف مورد تأکید قرار می‌دهد (نمودار ۱) بدین شرح است: در مرحله اول، خواننده با متون و آثار مؤلف روبرو می‌شود و به دنبال این است تا با بازگرداندن مؤلف به جهانی که اندیشه‌های وی بدو در آن شکل گرفته است، مشکلاتی که مؤلف خود را در این متون با آن‌ها روبرو می‌دید، آشکارسازی نماید. مرحله دوم، در این راستا پژوهشگر به بازآفرینی محیط تألیف آثار، اعم از بازآفرینی محیط فکری و بازآفرینی محیط سیاسی می‌پردازد. مرحله سوم، در نتیجه محقق به فهم نظریه‌ها و تعالیم مؤلف، یعنی فهم قصد و نیت مؤلف و ابتکارات مؤلف دست می‌یابد. این مراحل در نمودار زیر ترسیم شده است (محمود پناهی، ۱۳۹۴: ۱۷۵).

نمودار ۱: مراحل هرمنوتیک اسکینر :



بنا بر استدلال‌های روش‌شناختی اسکینر، به‌عنوان مثال برای فهم نظریه‌ها و اندیشه‌های شیخ عیسی قاسم، باید تحولات سیاسی و اجتماعی بحرین و منطقه غرب آسیا را مورد بررسی قرار گیرد تا مشکلات در زمان او باز و آشکار شود برای اینکه به چنین دیدگاهی برسیم، باید محیطی را که این آثار در آن تصنیف شده بازآفرینی کنیم: یعنی محیط فکری مشتمل بر فلسفه سیاسی و همچنین محیط سیاسی زندگی در بحرین. سپس با بررسی عیسی قاسم در زمانه و زمینه‌ای که اندیشه‌های وی بدو در آن شکل گرفته، می‌توان مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی عیسی قاسم را دریافت.

البته ذکر این نکته ضروری است که با توجه به دسترسی اندک به آثار مکتوب شیخ عیسی قاسم و ایجاد محدودیت از سوی حکومت آل خلیفه، با استفاده از ابزار مصاحبه با نزدیک‌ترین شاگردان وی در ایران، بخش‌هایی از داده‌ها گردآوری و تأیید شده است.

۴. محیط سیاسی و اجتماعی بحرین

بعد از استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱، خاندان آل خلیفه در جهت کسب مشروعیت سعی کرد به اقدامات و اصلاحات قانونی و سیاسی دست بزند. تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات پارلمانی در نیمه اول دهه ۱۹۷۰، در جهت قانونی ساختن حاکمیت آل خلیفه و مشارکت نسبی مردم در حکومت در این راستا بود؛ اما با مخالفت پارلمان با تصویب «قانون امنیت دولتی» در سال ۱۹۷۵، امیر بحرین، پارلمان این کشور را منحل کرد. طبق قانون امنیت دولتی، هرگونه اقدام یا موضع‌گیری علیه دولت، مخالفت با امنیت داخلی یا خارجی کشور تلقی می‌شد و حکومت اجازه داشت افراد مظنون را به سرعت بازداشت و بدون محاکمه زندانی کند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، نارضایتی عمومی از حکومت و سیاست‌های تبعیض‌آمیز آن به تشدید مخالفت‌ها و برخوردهای طولانی و خشونت‌بار بین نیروهای امنیتی و فعالان سیاسی انجامید (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

بر اساس رویکرد روشی این مقاله، همان‌گونه که در این بخش بحث شد، محیط سیاسی و اجتماعی بحرین در چهار دهه گذشته نشان می‌دهد، مهم‌ترین مشکل زمانه شیخ عیسی قاسم استبداد سیاسی، فساد و ناکارآمدی سیاسی و فقر و شکاف روزافزون اجتماعی، ظلم نظام‌مند نسبت به اکثریت شیعیان بحرین و سرکوب گسترده بوده که منجر به رشد جریانات



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ای برای جهان اسلام

اسلام‌گرای مبارز در این کشور به رهبری شیخ عیسی قاسم در این کشور شد. همچنین در محیط خارج از بحرین، وقوع انقلاب اسلامی ایران و گسترش اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه در چند دهه و آغاز موج جدید بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ بدین سو و هم‌زمان افزایش مداخلات استکبار جهانی و عربستان سعودی در بحرین جهت سرکوب حرکت‌های آزادی‌خواهانه از جمله عوامل محیطی بوده‌اند که در اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم تأثیرگذار بوده‌اند.

لذا، با توجه به اهمیت بالای شخصیت شیخ عیسی قاسم در سپهر سیاسی و اجتماعی بحرین در چند سال اخیر، خصوصاً پس از موج جدید بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ این کشور، در قسمت بعدی به شناخت عمیق‌تر و تبیین آرا و اندیشه‌های سیاسی وی می‌پردازیم.

۵. آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم

آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم در سال ۱۹۳۷ در روستای □الدراز □ بحرین به دنیا آمد. وی از دوران کودکی در میان هم سن و سالان خود و بزرگان بحرین به ذکاوت، تقوا و پایبندی به احکام دین شهره بود. از همان دوران کودکی به فراگیری قرآن پرداخت. در سال ۱۹۵۹ به عرصه آموزش ورود یافت و به تدریس درس زبان عربی و درس تربیت اسلامی پرداخت. وی رابطه بسیار دوستانه و صمیمی با شاگردان خود داشت. در سال ۱۹۶۲، در کنار شغل معلمی، به همراه دوست خود، مرحوم شیخ عباس الریس به حوزه راه‌یافته و توسط آیت‌الله سید علوی الغریفی به آموزش دروس حوزوی پرداخت.

پس از استقلال بحرین در آگوست ۱۹۷۱، جمعی از شخصیت‌های بارز و مؤمنان سرشناس بحرین از آیت‌الله شیخ عیسی قاسم و سید عبدالله الغریفی خواستند تا وی به بحرین بازگشته و برای انتخابات مجلس کاندید شوند. وی به همراه آیت‌الله الغریفی در سال ۱۹۷۲، دو روز مانده به انتخابات مجلس، به بحرین بازگشت و در انتخابات مجلس تأسیسی شرکت کرد و با بالاترین رأی به مجلس تأسیس ورود یافت. وی در مجلس، به کمک گروه اسلام‌گرایان توانست بسیاری از احکام اسلامی را به درون قانون اساسی تأسیسی وارد کنند (بی‌نا، ۲۰۱۴: ۳۹-۴۱). در همان سال، شیخ عیسی قاسم اقدام به تشکیل □جمعیه التوعیه الإسلامیه □ به‌عنوان اولین و بزرگ‌ترین جمعیت مردمی در منطقه خلیج فارس کردند. هدف از تشکیل



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۴۲

سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶



جمعیت التوعیة الإسلامية، مقابله بانفوذ ملی گرایان و گروه‌های کمونیستی و چپ در بحرین بود. در آن بازه زمانی، بحرین بهشت گروه‌های چپ به شمار می‌رفت. جمعیت التوعیة به ریاست شیخ عیسی قاسم (۱۹۷۲-۱۹۸۳) توانست با این گروه‌ها و برنامه‌های فکری آنان مواجه شود، هم در عرصه اجتماعی در جامعه بحرین و هم در عرصه سیاسی در مجلس (بی‌نا، ۲۰۱۴: ۴۳).

شیخ عیسی قاسم و دیگر اسلام‌گرایان بانفوذ بحرینی برای پیشبرد اهداف اسلامی خود در جامعه، از طریق جمعیت التوعیة الاسلامیة اقدام به فعالیت‌های فرهنگی می‌کردند اما این جمعیت نیز در سال ۱۹۸۴، از سوی نظام منحل گردید و فعالین سیاسی، فکری و اجتماعی آن بازداشت و شکنجه شدند اما شیخ عیسی قاسم به دلیل جایگاه و محبوبیت ویژه‌ای که در میان مردم داشت، مورد تعرض نظام بحرین قرار نگرفت بلکه از سفر به خارج از بحرین محروم و بازجویی شد (بی‌نا، ۲۰۱۴: ۴۳).

همان‌گونه که در بخش روش‌شناسی مقاله تبیین شد، محیط اجتماعی و سیاسی با اندیشه سیاسی متفکر در تعامل است. در نگاه اسکینر، فضای زندگی، محیط سیاسی، زمینه فکری و شرایط تاریخی برای دستیابی به قصد و نیت مؤلف بسیار ضروری است تا با بازسازی زمینه و زمانه به رمزگشایی و فهم معنای یک اثر یا مفهوم انسانی نائل آییم. شرح مختصر زندگی شیخ عیسی قاسم مبین آن است که سرکوب و ظلم سیاسی آل خلیفه و نادیده انگاشتن آزادی‌های اساسی مردم بحرین توسط حکام بحرینی و فشار آل خلیفه بر گروه‌ها و افراد فعال سیاسی و در نتیجه مهاجرت اجباری شیخ عیسی قاسم به ایران و شهر مقدس قم و آشنایی وی با اندیشه‌های سیاسی شیعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تأثیر بسزایی در شکل‌گیری اندیشه سیاسی وی و نوع حکومت مطلوب مدنظر او برای آینده بحرین داشته است. در ادامه به بررسی اندیشه سیاسی عیسی قاسم و حکومت مطلوب وی خواهیم پرداخت.

۶. اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم

برای فهم اندیشه سیاسی اندیشمندان بایستی به آراء آنان در نوشته‌ها یا گفتارهای ایشان در متن زمانه آنان رجوع کرد. آیت‌الله شیخ عیسی قاسم به‌عنوان رهبری که همواره نقش بسیار مؤثری در جامعه بحرین داشته است و هر تحول اجتماعی مردمی در دوران معاصر، با جهت‌دهی‌های



ایشان صورت پذیرفته است، آراء و اندیشه‌های خود را در خطبه‌های نماز جمعه بیان کرده است. وی با تأکید ویژه‌ای که به تعامل تنگاتنگ دین و سیاست دارد، خطبه‌های نماز جمعه را تنها به امور دینی و اجتماعی منحصر نکرده، بلکه امور سیاسی جامعه خود را نیز در آن موردبررسی قرار داده است و اندیشه خود نسبت به این امور را بیان کرده است. بامطالعه خطبه‌های نماز جمعه ایشان از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۴، مشخص می‌گردد که مفاهیمی دینی - سیاسی همچون، «حکومت»، «دین و سیاست»، «ملت»، «رهبری»، «مردم‌سالاری»، «اصلاحات» و «قانون‌گذاری» پرتکرارترین مفاهیمی هستند که ایشان در خطبه‌های نماز جمعه به آن پرداخته است. درواقع این مفاهیم سپهر اندیشه‌ای ایشان را تشکیل می‌دهد. برای درک دقیق اندیشه سیاسی اسلامی شیخ عیسی قاسم، به واکاوی کلام وی در خطبه‌های نماز جمعه می‌پردازیم.

۱.۶. ماهیت سیاست

آیت‌الله قاسم با بهره‌گیری از اندیشه توحیدی، اساس تفکرات سیاسی خویش را بر مبنای آن تعریف می‌کند و حل مشکلات جامعه بشری و به‌ویژه مردم و کشور بحرین را بر آن مبتنی می‌داند (آجیلی، ۱۳۹۵: ۳).

او ماهیت سیاست را با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، جزئی از نظام تکوین و تشریع الهی می‌داند و در تبیین ارتباط سیاست با نظام تکوین می‌گوید: مسئله سیاست در اسلام، جزئی از نظام کامل تکوین است؛ رشته‌ای از بافتی متکامل است؛ از بافتی که ساخت خداوند است؛ نظامی که دست قدرت الهی آن را ابداع کرده است (عیسی قاسم، ۱۴۲۲ق: خطبه جمعه ۲ صفر). آیت‌الله قاسم پس‌ازاینکه سیاست را با نظام تکوین گره می‌زند از دیدگاه تشریع نیز سیاست را به قوانین الهی و در گروی اوامر و نواهی خدای متعال وابسته می‌داند. از نظر وی هیچ معبودی در حیطه تشریع و در حیطه حکومت و در گستره پیروی از اراده دیگران نیست مگر خداوند و هیچ الوهیتی نیست مگر برای خدای تبارک‌وتعالی و الوهیتی نیست مگر برای خدای سبحان و متعال، پس این به انحصار ولایت تشریعی و ولایت در حکومت برمی‌گردد (عیسی قاسم، ۱۴۲۲ق: خطبه جمعه ۲ صفر).

۲.۶. نسبت دین و سیاست

نسبت دین و سیاست از مسائل مهمی است که در کانون توجه آیت‌الله قاسم قرار دارد.

او همواره مردم را از خدعه دشمن در تلاش برای فاصله انداختن میان این دو مفهوم مهم و تأثیرگذار در افق سیاسی کشور، آگاه کرده است. شیخ عیسی قاسم با استدلال بر ادله عقلی و نقلی بر پیوند دین و سیاست را از ارکان اصلی مکتب اهل بیت برمی شمارد. وی معتقد است که در اسلام تنها یک طرح سیاسی وجود دارد که آن نیز مورد اختلاف مکتب اهل بیت و اهل حل و عقد شده است. مکتب اهل بیت بر عدم تفکیک سیاست دین و دنیا قائل بوده و عصمت را شرط امام و اولیاء الله می داند. وی بر این باور است که برای پیروزی سیاست دنیوی بایستی امام از سوی خداوند تعیین گردد چراکه تنها خداوند بر عصمت امام آگاه است (قاسم، ۲۰۱۱/۱۲/۱۶).

بر اساس روش تحلیل اندیشه‌ای مقاله، شیخ عیسی قاسم با توجه به گسترش اندیشه جدایی دین از سیاست در منطقه و کشور بحرین، تلاش دارد تا به روشنگری آثار سوء این تفکر بپردازد. وی بنا بر پیوند دین و سیاست، رد انتخابات پارلمانی سال ۱۹۷۳، مسلمانان اهل سنت را بر شیعیان سکولار ترجیح می‌داد. وی در انتخابات نمایندگان مجلس اسلام را اصل قرارداد و معتقد بود که کاندیداهای اهل سنت که بر اسلام پایبند هستند بر شیعیان سکولاری که قائل به جدایی دین از سیاست هستند اولویت دارند (المرزوق، ۲۰۱۴: ۱۶۹). آیت الله قاسم معتقد است که در دوران معاصر، به دلیل گسترده‌ی دانش و علوم مختلف، هر لحظه امکان سردرگمی فرزندان مسلمان می‌شود، لذا آنان ابتدا بایستی اندیشه اسلامی را به‌خوبی مطالعه کنند تا از این بعد تغذیه شوند، سپس سراغ علوم دیگر بروند. در مطالعه اندیشه اسلامی نیز می‌بایست موضوعات را تقسیم‌بندی کرده و بنا بر اولویت‌سنجی به مطالعه آنان پرداخت، مثلاً ابتدا خداشناسی به‌خوبی مطالعه و بررسی شود، سپس به سراغ فلسفه عبادات روزانه و امر به معروف و نهی از منکر رفت (خاتم، ۲۰۱۴: ۲۱۰-۲۱۱).

۳.۶. در باب حکومت

شیخ عیسی قاسم حکومت را از حقوق مهمی می‌داند که برای دستیابی به آن بایستی تلاش کرد. برخی مواقع نیاز است که جهت نیل به حکومت سکوت اختیار کرد، اما در مواقعی که امکان ایجاد حکومت اسلامی وجود دارد سکوت جایز نیست و اقامه حکومت اسلامی واجب می‌شود. وی بیان می‌دارد که اگر مسلمانان توانایی برپایی حکومت اسلامی را داشته باشند، بر آنان واجب می‌شود تا به این اقدام مبادرت ورزند اما اگر شرایط برای برپایی



فصلنامه علمی - پژوهشی
انجمن مطالعات جهان اسلام

حکومت اسلامی وجود نداشت، مسلمانان بایستی همان میزان از احکام اسلامی که در جامعه وجود دارد را حفظ کنند (الخضران، ۲۰۱۴: ۱۲۴).

۱,۳,۶ حکومت موروثی

شیخ عیسی قاسم در خطبه‌های نماز جمعه به شدت بر حکومت موروثی تاخته و آن را بدعت حکومت امویان معرفی می‌کند. وی حکومت موروثی را همانند تویی در دستان بچه‌ها معرفی می‌کند که خاندان اموی از بدو تسلط بر خلافت، آن را به‌سوی همدیگر پرتاب کردند. شیخ عیسی حکومت موروثی را حکومتی غیر اسلامی می‌داند که اکثر کشورهای مسلمان عربی آن را ساختار سیاسی حاکم خود قرار داده‌اند. وی بر این اعتقاد است که حکومت موروثی نه بر طبق نظریه امامت و نظریه شورا به اسلام مرتبط می‌شود و نه با نظریه نظام دموکراتیک سازگار است. شیخ عیسی قاسم حکومت موروثی را حکومتی ساختگی توسط امویان دانست که پس از آن، عباسیان و عثمانی‌ها نیز برای اینکه همیشه بر انسان‌ها حکومت کنند، نظام سیاسی خود را بر طبق آن ساختار ایجاد کردند. وی مکتب اهل بیت را کاملاً دور از این ساختار سیاسی دانست و بیان داشت که امامت ائمه اطهار به سبب پیش‌بینی و سفارشی بود که پیامبر اکرم (ص) قبل از تولد بسیاری از آنان بیان داشته بود، نه به سبب اینکه آنان فرزندان امام علی (ع)، رهبر مسلمانان بودند (قاسم، ۲۰۱۱/۱۲/۱۶).

با عنایت به روش تحلیلی مقاله، این دیدگاه شیخ عیسی قاسم اشاره به حکومت موروثی آل خلیفه دارد که آیت‌الله قاسم در جمع عمومی این نوع حکومت‌گری را به چالش کشیده و آن را مخالف اسلام و حتی دموکراسی جلوه می‌دهد.

۲,۳,۶ حکومت و مردم

آیت‌الله عیسی احمد قاسم مناصب حکومتی امروزی را به‌مثابه خلافت ظاهری می‌داند و بر این باور است که قبول خلافت غیر معصوم به معنای عدم توحید حقیقی است. وی پیشنهاد می‌دهد که علماء بایستی روش‌های توحیدی حکومت را پیشنهاد دهند، زیرا آنان ورثه انبیا هستند (الخضران، ۲۰۱۴: ۱۱۹). شیخ عیسی قاسم معتقد است که حکومت‌ها و مردم با دو زبان مختلف با یکدیگر سخن می‌گویند. حکومت‌های سیاسی با زبان حقارت و کوچک شمردن مردم سخن می‌گویند و مردم نیز با زبان هیئات منا الذله پاسخ می‌دهند. از نظر وی حکومت‌ها می‌خواهند که مردم یا تسلیم آنان شوند و یا اینکه به لحاظ جسمی،



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۴۶

سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶



اندیشه‌ای، اراده‌ای و انسانی به اضمحلال بروند. حکومت‌ها می‌خواهند تا مردم از آزادی خود صرف‌نظر کرده و خواری و ذلت و فقر و نادانی و بیماری را بپذیرند. قدرت اجرایی این نقشه، ثروت‌های ملی، نیروهای نظامی، دستگاه‌های اطلاعاتی، زندان‌های مخوف، نیروهای تسلیحاتی، رسانه و روزنامه‌های هم‌جهت و بسیاری از امکانات دیگر است. از سوی دیگر، مردمی که سال‌ها متحمل این سختی‌ها شده بودند و در خواب‌ترس به سر می‌بردند، امروزه بیدار شده، غبار ترس و غفلت از خود پاک کرده و به مقابله با این حکومت‌ها برخاسته‌اند. آنان مرگ را بر سرسپردگی ترجیح داده و شعار هیئات منا الذله سر می‌دهند (۲۰۱۱/۱۰/۱۴).

۴,۶. حکومت اسلامی

شیخ عیسی قاسم تشکیل حکومت اسلامی را واجب می‌داند و نقش فقیه را ضروری و اطاعت از آن را واجب می‌داند. وی بیان می‌دارد که اگر پیامبر یا امام یا فقیه خود را حاکم معرفی کرد، بنا بر ولایتی که دارد باید شرعاً حکومت او را پذیرفته و با او بیعت کرد (الخضران، ۲۰۱۴: ۱۲۴-۱۲۵). حکومت فقیه مبتنی بر قانون اساسی و احکام اسلامی است، لذا تصمیمات و اختیارات فردی و استبدادی در آن اتخاذ نمی‌شود. حکومت فقیه حکومت فرد مستبد عادل نیست بلکه حکومت فرد عادل قانون‌پذیر است. قانونی که فقیه از آن پیروی می‌کند، اسلام و احکام اسلامی است. فرد فقیه به تخصص و توانایی در اداره امور حکومت شهرت دارد (قاسم، ۲۰۰۵/۱/۲۱).

۷. حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم

آیت‌الله قاسم، نوع اختیار نظام سیاسی را از دید تکوینی و تشریعی دارای تفاوت می‌داند و گرچه انسان تکویناً قادر به انتخاب هرگونه حکومتی برای اداره جامعه خویش است، شرعاً این کار غیرمجاز است و اسلام از انسان قبول نمی‌کند مگر اینکه نظام سیاسی او را مبتنی بر نظریه اسلامی برگزیند (عیسی قاسم، ۱۴۲۵ق: خطبه جمعه ۳ ذی‌الحجه).

لذا، با توجه به نظام اندیشه‌ای توحیدی شیخ عیسی قاسم و ضرورت پیوند دین اسلام و سیاست از نگاه وی و همچنین ضرورت تشکیل حکومت اسلامی توسط فقیه (در دوره غیبت امام زمان (ع)) به نظر می‌رسد حکومت مطلوب ایشان در عصر حاضر که می‌تواند به‌طور مطلق، مشکلات جامعه را برطرف و نیازها را تأمین کند، حکومت اسلامی به رهبری

ولایت فقیه است. این موضوع در مصاحبه با شیخ عبدالله الدقاق، نماینده شیخ عیسی قاسم در ایران نیز تأیید شده است.

اگر با نگاه اسکینر به موضوع حکومت مطلوب نظری بیفکنیم، الدقاق معتقد است حکومت مطلوب شیخ عیسی قاسم در بعد نظری، حکومت اسلامی به رهبری ولایت فقیه است، اما آنچه وی در دوران جنبش ۱۴ فوریه به دنبال تحقق آن با توجه به ظرفیت‌های موجود در بحرین بود، حکومت پادشاهی مشروطه بود. از نظر شیخ الدقاق، سه مشخصه بارز اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم به شرح ذیل است (الدقاق، ۱۳۹۶/۲۷):

۱. ایمان به ولایت مطلقه فقیه و پیروی از آن.

۲. ایمان به حق مردم و مشورت با آنان.

۳. اصالت فکر و دوراندیشی.

شیخ عیسی قاسم نظریه ولایت فقیه را در عرصه نظر در حوزه‌های علمیة تدریس می‌کرد و در عرصه عمل نیز در خطبه‌های نماز جمعه آن را مورد حمایت قرار می‌داد. او در خطبه‌های نماز جمعه به صورت غیرمستقیم به ولایت فقیه و امام خمینی (رضی) دعا می‌کرد. دعای غیرمستقیم به ولایت فقیه و امام خمینی (رضی) چندین به مذاق نظام خوش نمی‌آمد (قاسم، ۲۰۰۵/۴/۱).

۸. جایگاه رهبری در حکومت اسلامی

آیت‌الله شیخ عیسی قاسم بر این باور است که رهبری دینی ضرورتی از ضرورت‌های زندگی انسان در عرصه‌های مختلف است؛ چراکه ضامن تحقق ارزش‌های اسلامی و اهداف ربانی و حفاظت از آنهاست (السماک، ۲۰۱۵: ۱۷). از نظر وی، رهبر در حکومت اسلامی دارای سه وظیفه بنیادین است (همان):

۱. محافظت از نظم جامعه از طریق رهبری سیاسی

۲. اجرای قوانین الهی

۳. حفظ دین از تحریف

از نظر عیسی قاسم، تنها فردی که می‌تواند این سه وظیفه را به طور کامل و دقیق و بدون هیچ نقصانی انجام دهد، معصوم است زیرا او در تشخیص احکام و قوانین الهی و اجرای



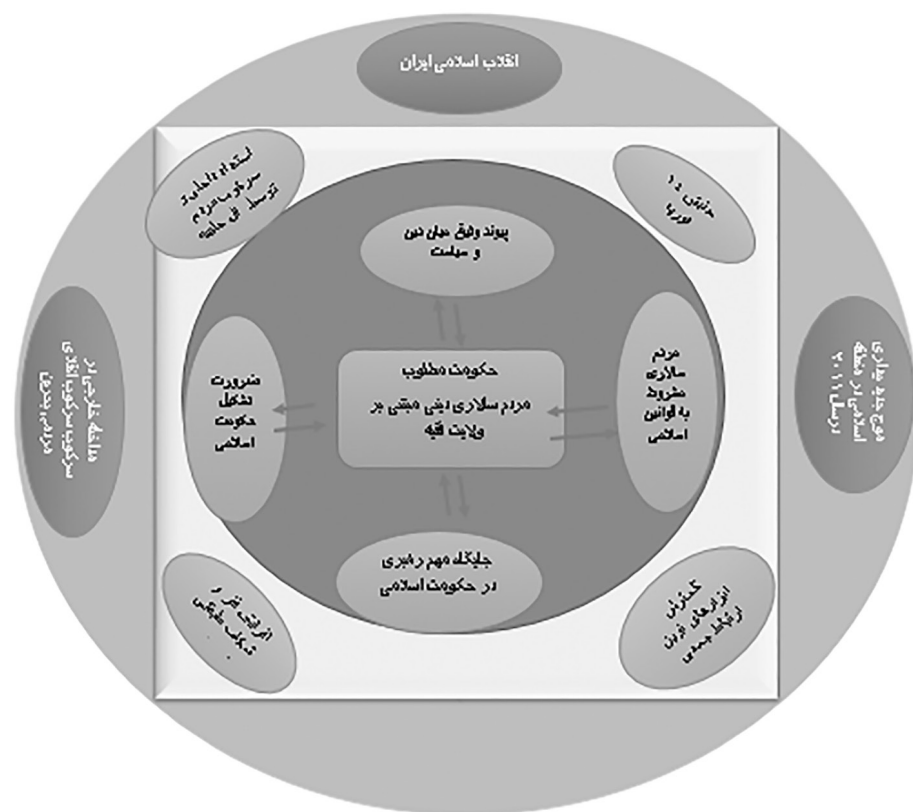
آنان مصون از خطاست؛ همانند امام یا پیامبر. این در حالی است که فرد مجتهد برخی مواقع در اندیشه‌ها و تصمیمات خود دچار خطا می‌شود. آیت الله قاسم، پس از معصوم، فقیه را مناسب‌ترین فرد جهت رهبری جامعه اسلامی می‌داند. وی «توحید» و «ارزش‌های اسلامی» را از ملاک‌های بنیادین انتخاب رهبری می‌داند، لذا بر این باور است که پس از معصوم، فقیه بهترین شخص جهت اداره جامعه مسلمین است و نه روشنفکران غرب‌زده (السماک، ۲۰۱۵: ۲۹-۳۰). وی معتقد است که افراد جامعه جهت اطمینان شدن در وظایف دینی و اسلامی خود در جامعه، می‌بایستی از فقیه‌ی که در دوران غیبت کبری، از سوی امام معصوم مأمور به اداره جامعه شده است، اطاعت کنند زیرا اطاعت از فقیه به مثابه اطاعت از امام معصوم است. آیت الله قاسم امامت جماعت را کوچک‌ترین منصب رهبری می‌داند و معتقدند که فقه شیعه در رابطه با شرایط امام جماعت شروط نسبتاً سختی دارد لذا شروط رهبری جامعه مسلمین به مراتب دشوارتر از شروط امام جماعت است (السماک، ۲۰۱۵: ۲۵ و ۳۳).

۹. جایگاه مردم در حکومت اسلامی

آیت الله عیسی قاسم در ترسیم حکومت مطلوب خود نقش ویژه‌ای برای مردم قائل است. وی مردم را رمز موفقیت رهبر امت اسلامی در پیشبرد برنامه‌ها و رسیدن به اهداف ترسیم‌شده می‌داند. وی مردم را به مثابه شمشیری در دست رهبر می‌داند که بدون آنان موفقیت ممکن نیست و در صورت نیل به موفقیت، بدون مردم ادامه این موفقیت‌های ممکن نخواهد بود. مردم جهت موفقیت آفرینی نیازمند منبعی آگاه، راهنما، پیامبر، فقیه و سکان‌دار هستند. در صورت نبود رهبری، ممکن است که مردم به سوی هدف ناصواب و انحراف هدایت شوند. رهبر برای مردم به مثابه دژ و دیواری مستحکم جهت جلوگیری از آسیب‌ها و انحرافات بیرونی است. در صورت نبود رهبر، امام، پیامبر و هدایت‌کننده در جامعه، مردم ممکن است هرکدام به سوی انحراف یابند (السماک، ۲۰۱۵: ۴۰).

درمجموع بر اساس روش تحلیلی مقاله، مهم‌ترین مشکل زمانه شیخ عیسی قاسم استبداد سیاسی، فساد و ناکارآمدی سیاسی و فقر و شکاف روزافزون اجتماعی، ظلم نظام‌مند نسبت به اکثریت شیعیان بحرین و سرکوب گسترده بوده که منجر به رشد جریان‌ات اسلام‌گرای مبارز در این کشور به رهبری شیخ عیسی قاسم شد.

همچنین در محیط خارج از بحرین، وقوع انقلاب اسلامی ایران و گسترش اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه در چند دهه و آغاز موج جدید بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ بدین سو و هم‌زمان افزایش مداخلات استکبار جهانی و عربستان سعودی در بحرین جهت سرکوب حرکت‌های آزادی‌خواهانه ازجمله عوامل محیطی بوده‌اند که در اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم تأثیرگذار بوده‌اند.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۰

سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶

پس از بررسی محیط، با بازخوانی اندیشه سیاسی وی در باب حکومت مطلوب به صورت ذیل خلاصه آنچه تشریح شد ارائه می‌شود: در این تصویر محیط خارجی و داخلی به رنگ زرد و نارنجی و همچنین اندیشه آیت‌الله عیسی قاسم به رنگ سبز نشان داده شده است.

۱۰. نتیجه گیری

شیخ عیسی قاسم با بهره گیری از اندیشه توحیدی، اساس تفکرات سیاسی خویش را تعریف می کند و حل مشکلات جامعه بشری و به ویژه مردم و کشور بحرین را بر آن مبتنی می داند. او ضمن تأکید بر پیوند وثیق میان دین و سیاست، ماهیت سیاست را با بهره گیری از آموزه های اسلامی، جزئی از نظام تکوین و تشریع الهی می داند. شیخ عیسی قاسم حکومت را از حقوق مهمی می داند که برای دستیابی به آن بایستی تلاش کرد. وی معتقد است اگر مسلمانان توانایی برپایی حکومت اسلامی را داشته باشند، بر آنان واجب می شود تا به این اقدام مبادرت ورزند اما اگر شرایط برای برپایی حکومت اسلامی وجود نداشت، مسلمانان بایستی همان میزان از احکام اسلامی که در جامعه وجود دارد را حفظ کنند.

با توجه به روش مختار مقاله در تبیین اندیشه سیاسی، محیط اجتماعی و سیاسی با اندیشه سیاسی متفکر در تعامل است. با توجه، لذا، با توجه به نظام اندیشه ای توحیدی شیخ عیسی قاسم و ضرورت پیوند دین اسلام و سیاست از نگاه وی و همچنین ضرورت تشکیل حکومت اسلامی توسط فقیه (در دوره غیبت معصوم) به نظر می رسد حکومت مطلوب ایشان در عصر حاضر که می تواند به طور مطلق، مشکلات جامعه را برطرف و نیازها را تأمین کند، حکومت اسلامی به رهبری ولایت فقیه است.

البته حکومت مطلوب آیت الله قاسم در عرصه نظر است اما آنچه در عرصه عمل برای وی و مردم بحرین امکان پذیر بود، پادشاهی مشروطه است که در آن از اختیارات پادشاه کاسته شده و بر اختیارات مردم افزوده گردد. آرمانی تشکیل حکومت اسلامی از یک سو و سرکوب انقلاب مردمی توسط حکومت آل خلیفه و نیروهای عربستان، موجب شد تا در این مقطع تاریخی آیت الله شیخ عیسی قاسم به اصلاحات رضایت دهد و آن را هدف انقلاب بداند. وی در نظر دارد تا با انجام اصلاحات سیاسی از سوی نظام، مردم به حقوق خود دست یابند. حکومت بحرین سعی دارد تا قیام بیداری اسلامی مردم بحرین در سال ۲۰۱۱ را مهار کند. حکومت بحرین رفتارهای متفاوت و تا حدی متعارض را در قبال قیام مردمی از خود به نمایش گذاشته است. در رویکرد حکومت بحرین طیفی متنوع از رفتارها، از رویکرد مسالمت آمیز و اعلام تمایل به گفت و گو با مخالفان تا سرکوب شدید و ایجاد رعب و وحشت میان مردم معترض وجود داشته که البته هر کدام از این رفتارها در دوره های متفاوت و



جداگانه‌ای از قیام مردمی بروز کرده است. دوراندیشی آیت‌الله شیخ قاسم موجب گردید که با توجه به رفتار حکومت، او در ایام انقلاب، اصلاحات را بهترین گزینه برای مردم و نظام بداند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۲

سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶

منابع

الف. فارسی

۱. آدمی، علی (۱۳۹۱) «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲ تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، از ۱۴۱ تا ۱۶۸.
۲. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰) «رفتارشناسی بازیگران تحولات بحرین»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۴۵، از ۶۳ تا ۹۲.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۶۶) دانشنامه سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید.
۴. آقا بخشی، علی (۱۳۸۹) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.
۵. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۸۵) «اسلام سیاسی و جهانی‌شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۱.
۶. بشیریه، حسین (۱۳۷۶) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران، نشر نی.
۷. بیگی، علیرضا (۱۳۹۵) تاریخ و مبانی سیاه آل خلیفه، قم، نشر شهید کاظمی.
۸. درخشه، جلال و نجاتی آرانی، حمزه (۱۳۹۰) تحلیل جنبش‌های بیداری اسلامی در چهارچوب تطور گفتمان اسلام‌گرایی، دو فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۲، شماره ۲، از ۳۹ تا ۵۷.
۹. حاتمی، محمدرضا و بحرانی، مرتضی (۱۳۹۲) دائرةالمعارف جنبش‌های اسلامی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۰. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۳) «گونه‌شناسی ارتباط دین و سیاست در اندیشه سیاسی شیعه»، فصلنامه علمی - پژوهشی نامه مفید، سال دهم، شماره ۴۴.
۱۱. خواجه‌زاده، اسما (۱۳۹۴) آیت‌الله قاسم؛ رجل اصلاح و سلام: استقامه، ثبات، سلمیه، چاپ اول، قم، نشر معارف.
۱۲. سیدامامی، کاووس و رکوعی، ایمان (۱۳۹۳) «شناسایی آینده‌های ممکن پیش روی اسلام‌گرایی با استفاده از روش تحلیل ریخت‌شناسی»، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۶، از ۶۷ تا ۹۰.
۱۳. الشعله، عادل (۱۳۹۶) اصول و ویژگی‌های جامعه پیشرفته از دیدگاه آیت‌الله عیسی قاسم، (ترجمه حجت‌الله فسنتوری و ام‌البین قزلسفلو)، قم، نشر معارف.
۱۴. قاسمی، صفت اله (۱۳۸۵) «وضعیت شیعیان در بحرین»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال ۷، شماره ۲۸، از ۱۳۵ تا ۱۶۰.
۱۵. محمودپناهی، سید محمدرضا (۱۳۹۴) «بررسی روش‌شناسی هرمنوتیک قصدگرای اسکینر»، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره دوم، شماره سوم، تابستان، از ۱۴۵ تا ۱۷۸.
۱۶. معین، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی، ج ۱ و ۳، چاپ دهم تهران، امیرکبیر.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۱۷. نوروزی، ایمان (۱۳۹۴) انقلاب کرامت در بحرین، چاپ اول، زمستان، قم، نشر معارف.
۱۸. هاشمی نسب، سید سعید (۱۳۸۹) «بحران بحرین»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، قم، جامعه المصطفی العالمیه.

ب- منابع عربی

۱۹. الخضران، عزیز حسن (۲۰۱۴) «النظرة التوحيدية في مشروع الشيخ، مجموعة حوارات مع ملازمی الشيخ في مفاصل حياته المتعاقبة»، رسالة القلم، اسلامية ثقافية شاملة، عدد الخاص، حول القائد آيت الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة - ربيع الثاني، ۱۴۳۲هـ، ۲۰۱۴ فبراير، مكتبة فذك، قم المقدسة، الجمهورية الإسلامية في إيران، ص ۵ الى ۳۷.
۲۰. الراشد، راشد (بی تا) البحرین، مسیرة شعب یبحث عن الهوية و الحرية و الكرامة، بی جا.
۲۱. السندی، سید مرتضی (۱۳۹۶) رنج و امید، ترجمه علیرضا بیگی، چاپ اول، قم، نشر شهید کاظمی.
۲۲. ۴. العکری، عبدالنبی (۲۰۱۲) دور حركة الإسلامیة فی انتفاضه ۱۴ فبراير، لندن، مركز البحرین للدراسات فی لندن.
۲۳. المرزوق، حسین فؤاد (۲۰۱۴) «شذرات من السيرة العطرة للشيخ عيسى أحمد قاسم، مجموعة حوارات مع ملازمی الشيخ فی مفاصل حياته المتعاقبة»، رسالة القلم، اسلامية ثقافية شاملة، عدد الخاص، حول القائد آيت الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة - ربيع الثاني، ۱۴۳۲هـ، ۲۰۱۴ فبراير، مكتبة فذك، قم المقدسة، الجمهورية الإسلامية في إيران، ص ۵ الى ۳۷.
۲۴. المرزوق، حسین فؤاد (۲۰۱۴) «الشيخ عيسى قاسم و التجربة البرلمانية الاولى (مواقف و صور)، مجموعة حوارات مع ملازمی الشيخ فی مفاصل حياته المتعاقبة»، رسالة القلم، اسلامية ثقافية شاملة، عدد الخاص، حول القائد آيت الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة - ربيع الثاني، ۱۴۳۲هـ، ۲۰۱۴ فبراير، مكتبة فذك، قم المقدسة، الجمهورية الإسلامية في إيران، ص ۱۳۳ الى ۱۹۷.
۲۵. المرشد، عباس و الخواجه، عبدالهادی (۲۰۰۸) التنظيمات و الجمعيات السياسية، فراديس للنشر و التوزيع، مملكة البحرين.
۲۶. النعیمی، عبدالرحمن (۲۰۰۴) الأزمة الدستورية في البحرين، دار الكنوز الأدبية، بيروت، لبنان.
۲۷. بوصفوان، عباس (۲۰۱۲) ربيع البحرین، حصاد الساحات، الطبعة الثانية، مرآة البحرین، ص ۵۰۱ تا ۵۰۷.
۲۸. بی نا (۲۰۱۴) «عطاء و مسیرة جهاد، ترجمه مختصرة لسماحة آيت الله الشيخ عيسى قاسم، رسالة القلم، اسلامية ثقافية شاملة»، عدد الخاص، حول القائد آيت الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة □ ربيع الثاني، ۱۴۳۲هـ، ۲۰۱۴ فبراير، مكتبة فذك، قم المقدسة، الجمهورية الإسلامية في إيران، ص ۳۸ الى ۴۹.
۲۹. بی نا (۲۰۱۲) «الإحتلال العسکری لمجمع السلمانية الطبی»، ربيع البحرین، حصاد الساحات ۲۰۱۲، الطبعة الثانية، مرآة البحرین، ص ۴۴۹ تا ۴۵۷.
۳۰. بی نا (۱۹۹۷) الحركة الدستورية، نضال شعب البحرین من أجل الديمقراطية، الطبعة الاولى، اکتوبر ۱۹۹۷، بحرین، دار الوحدة الوطنية.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعه نرسان عالم اسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۴

سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶

۳۱. خاتم، محمد علی (۲۰۱۴) «ممن نأخذ الدين و الفكر الديني، في نظر شيخ عيسى احمد قاسم، رساله القلم، اسلاميه ثقافيه شامله»، عدد الخاص، حول القائد آيت الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنه العاشره □ ربيع الثاني، ۱۴۳۲هـ، ۲۰۱۴ فبراير، مكتبة فذك، قم المقدسه، الجمهوريه الاسلاميه في ايران، ص ۲۰۹ الى ۲۲۲.

ج- مصاحبه

۳۲. الدقاق، عبدالله، (۱۳۹۶/۷/۲۷)، اندیشه سياسي آيت الله شيخ عيسى قاسم، مصاحبه كننده عليرضا بيگي، قم.
۳۳. الدقاق، عبدالله، (۱۳۹۶/۴/۲)، تاريخ شكل گيري گروهها و جريانهاي سياسي در بحرين، مصاحبه كننده عليرضا بيگي، قم.
۳۴. الراشد، راشد، (۱۳۹۶/۶/۱۵)، نقش تيار العمل الاسلامي در جنبش ۱۴ فوريه بحرين، مصاحبه كننده عليرضا بيگي، قم.
۳۵. السندی، سيد مرتضى السندی، (۱۳۹۶/۵/۷). نقش تيار الوفاء الاسلامي در جنبش ۱۴ فوريه بحرين، مصاحبه كننده عليرضا بيگي، قم.

د. انگليسي

36. Skinner, Quentin (1981), Machiavelli: A Very Short Introduction, New York: Oxford University Press.
37. Skinner, Quentin (1998), Liberty before liberalism, Cambridge, Cambridge University Press

هـ. سايت هاي اينترنتي

۳۸. آلبوغيث، عبدالله (۱۳۸۹)، چالش هاي انتخابات بحرين، تاريخ مشاهده ۱۳۹۷/۴/۱۲، قابل مشاهده در سامانه ذيل:
- <http://hamshahronline.ir/details/118953/world/persiangulf>
۳۹. قاسم، عيسى، (۲۰۰۵/۹/۹)، خطبه الجمعة (۲۱۱) بتاريخ ۴ شعبان ۱۴۲۶هـ، المقاوم، للثقافه و الإعلام، تاريخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۴، قابل مشاهده در سامانه ذيل:
- <http://almuqawim.net/2005/09/1491/>
۴۰. قاسم، عيسى، (۲۰۱۱/۱۲/۱۶)، خطبه الجمعة (۴۸۲)، بتاريخ ۲۱ محرم ۱۴۳۳هـ، المقاوم، للثقافه و الإعلام، تاريخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۴، قابل مشاهده در سامانه ذيل:
- <http://almuqawim.net/2011/12/2125/>
۴۱. قاسم، عيسى، (۲۰۱۱/۱۲/۳۰)، خطبه الجمعة (۴۸۴)، بتاريخ ۵ صفر ۱۴۳۳هـ، المقاوم، للثقافه و الإعلام، تاريخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۴، قابل مشاهده در سامانه ذيل:
- <http://almuqawim.net/2011/12/2129/>



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعيت دراست العالم الاسلامي
فصلنامه علمي - پژوهشي
پژوهش هاي ساي جهان اسلام

۴۲. قاسم، عیسی، (۲۰۱۱/۱۰/۱۴)، خطبة الجمعة (۴۷۳)، بتاريخ ۱۵ ذوالقعدة ۱۴۳۲هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام،
تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۴، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2011/10/2107/>

۴۳. قاسم، عیسی، (۲۰۱۱/۲/۱۱)، خطبة الجمعة (۴۳۸)، بتاريخ ۷ ربيع الأول ۱۴۳۲هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام،
تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۴، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2011/02/2032/>

۴۴. قاسم، عیسی، (۲۰۱۱/۱۱/۴)، خطبة الجمعة (۴۷۶)، بتاريخ ۷ ذوالحجة ۱۴۳۲هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام،
تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۴، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2011/11/2113/>

۴۵. قاسم، عیسی، (۲۰۱۱/۱۱/۴)، خطبة الجمعة (۴۷۴)، بتاريخ ۲۲ ذوالقعدة ۱۴۳۲هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام،
تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2011/10/2109/>

۴۶. قاسم، عیسی، (۲۰۱۱/۱۰/۲۸)، خطبة الجمعة (۴۷۵)، بتاريخ ۲۹ ذوالقعدة ۱۴۳۲هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام،
تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2011/10/2111/>

۴۷. قاسم، عیسی، (۲۰۱۱/۹/۱۶)، خطبة الجمعة (۴۶۹)، بتاريخ ۱۷ شوال ۱۴۳۲هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام،
تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2011/09/2099/>

۴۸. قاسم، عیسی، (۲۰۱۱/۹/۲۳)، خطبة الجمعة (۴۷۰)، بتاريخ ۲۴ شوال ۱۴۳۲هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام،
تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2011/09/2101/>

۴۹. قاسم، عیسی، (۲۰۰۳/۸/۲۲)، خطبة الجمعة (۱۲۵)، بتاريخ ۲۳ جمادی الثاني ۱۴۲۴هـ، المقاوم، للثقافة و
الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2003/08/1314/>

۵۰. قاسم، عیسی، (۲۰۰۴/۲/۶)، خطبة الجمعة (۱۴۰)، بتاريخ ۱۴ ذوالحجة ۱۴۲۴هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام،
تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2004/02/1344/>

۵۱. قاسم، عیسی، (۲۰۰۵/۴/۱)، خطبة الجمعة (۱۹۳)، بتاريخ ۲۱ صفر ۱۴۲۶هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام،
تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۶، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2005/04/1452/>

۵۲. قاسم، عیسی، (۲۰۰۵/۱/۲۱)، خطبه الجمعة (۱۸۳)، بتاريخ ۱۰ ذوالحجّة ۱۴۲۵هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2005/01/1432/>

۵۳. قاسم، عیسی، (۲۰۱۲/۹/۲۸)، خطبه الجمعة (۵۲۲)، بتاريخ ۱۱ ذوالقعدة ۱۴۳۳هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2012/09/2205/>

۵۴. قاسم، عیسی، (۲۰۰۴/۴/۱۶)، خطبه الجمعة (۱۵۰)، بتاريخ ۲۶ صفر ۱۴۲۵هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2004/04/1364/>

۵۵. قاسم، عیسی، (۲۰۰۶/۶/۹)، خطبه الجمعة (۲۴۶)، بتاريخ ۱۲ جمادی الأولى ۱۴۲۷هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2006/06/1563/>

۵۶. قاسم، عیسی، (۲۰۰۱/۷/۲۷)، خطبه الجمعة (۱۷)، بتاريخ ۷ جمادی الأولى ۱۴۲۲هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://almuqawim.net/2001/07/384/>

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۴۰۲

به این مقاله این گونه استناد کنید:

شاکری، سید رضا؛ زینالی، صادق؛ بیگی، علیرضا (۱۳۹۶)، «مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی آیت الله شیخ عیسی قاسم»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۷، ش ۴، زمستان ۹۶، صص ۵۷-۳۳.